

معراج‌نگاری نسخه‌های خطی

شهر روز مهاجر*

معتقدند که روایات معراج در ادبیات اروپایی، مانند آنچه در آثار دانته و دیگران به چشم می‌خورد، ریشه در ادبیات و فرهنگ شرق و به خصوص ادبیات ایران دارد. البته ناگفته نماند که موضوع معراج علاوه بر مذهب اسلام، در بسیاری از مذاهب از جمله مسیحیت و یهودیت نیز مطرح شده است. معراج در ادبیات فارسی، نه تنها در آثار موسوم به «معراجنامه» مطرح شده، بلکه در بسیاری از آثار ادبی دیگر نیز مشاهده می‌شود. با توجه به ماهیت تصویری و ذات تجسمی معراج، این موضوع و روایات پیرامون آن بارها در نسخه‌های خطی و حتی کتاب‌های چاپ سنگی به تصویر کشیده شده است. هلنا شین دشتگل در کتاب معراج‌نگاری: نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی، با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد، به معرفی و تحلیل تصاویر مربوط به معراج پرداخته است.

این کتاب دارای سه فصل است. در فصل نخست با عنوان «میراث ادبی معراج» به بررسی خاستگاه و پیشینه تاریخی معراج و بازتاب آن در اشعار و افکار متصوفه پرداخته شده است.

فصل دوم با عنوان «درخشش تصاویر حضرت محمد» به روند تحول تصویرگری معراج و عناصر تصویری ترکیب‌نگاره‌های معراج در نقاشی ایرانی اختصاص دارد.

در فصل سوم نیز با عنوان «مجلس‌نگاری معراج»، سی و هفت نمونه از معراج‌نگاری‌های برجسته، شامل کتاب‌های خطی، چاپ‌های سنگی، دیوارنگاره‌ها، نقاشی‌های پشت شیشه و پرده‌نگاری‌های رنگ و روغنی معرفی و بررسی شده است. برخی از مهم‌ترین آثاری که نویسنده به وجود ترکیب‌نگاره‌های معراج در آنها اشاره کرده، عبارتند از: جامع‌التواریخ (نخستین کتاب شناخته شده با نگاره‌های مربوط

معراج‌نگاری: نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی، با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد؛ نوشته هلنا شین دشتگل، چاپ نخست، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹، ۲۷۸ ص، وزیری، ۶۰۰۰ تومان.



با تألیف کتاب ارداویراف‌نامه در پیش از اسلام، موضوع معراج احتمالاً برای نخستین بار در ادبیات ایران مطرح شده است. این موضوع با ظهور اسلام در ایران و ثبت روایات مربوط به معراج پیامبر، بار دیگر به شکلی پُررنگ‌تر از سابق به گونه خاصی از ادبیات مذهبی راه می‌یابد. برخی از پژوهشگران

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر. پست الکترونیک: mohajermail@yahoo.com



نخستین دیدار حضرت محمد(ص) و خدیجه، قصص الانبیاء، پاریس، کتابخانه ملی

«رئالیسم معنوی» بدل می‌شود؛ لذا توجه به نمادشناسی و یا شمایل‌شناسی در نگارگری بسیار اهمیت دارد.

نویسنده علاوه بر منابع فارسی از چند منبع غیرفارسی مهم دربارهٔ معراجنامه، از جمله آثار پاره دو کورتی^۱ و سکای^۲ استفاده کرده است. اما اثری از تحقیقات خانم کریستینا گروبر^۳ در این کتاب و منابع آن مشاهده نمی‌شود. با توجه به سال انتشار کتاب (۱۳۸۹) و اشاره مؤلف به تأخیری بالغ بر سه سال در انتشار کتاب، لذا احتمالاً وی با آثار گروبر (۲۰۰۵، ۲۰۰۸) آشنا نبوده است. گروبر استاد تاریخ هنر و فرهنگ خاور نزدیک در دانشگاه ایندیانا، رسالهٔ دکتری خود را به موضوع معراج پیامبر اختصاص داده است. وی در بخشی از مطالعات خود با رویکردی تطبیقی به تحلیل وجود نمادهای بودایی و آسیایی مرکزی در معراج‌نگاره‌های اسلامی پرداخته است. اگرچه دشتگل در پژوهش خود ادعای شیوهٔ مطالعهٔ تطبیقی

به معراج، مرقع بهرام میرزا، مهر و مشتری (عصار تبریزی)، معراجنامه (ترجمهٔ بخشی از نهج‌الفرادیس که امروز اثری از آن نمانده)، خاوران‌نامهٔ ابن‌حسام، مخزن الاسرار نظامی، بوستان سعدی، کلیات امیرخسرو، گوی و چوگان عارفی، یوسف و زلیخای جامی، هفت‌بیکر نظامی، فالنامهٔ منسوب به امام جعفر صادق، خردنامهٔ اسکندری (جامی)، حیرت‌الابرار نوایی، خمسةٔ نظامی، شرفنامهٔ نظامی، دیوان نوایی، حیدرنامه، حملهٔ حیدری و معراجنامهٔ شجاعی.

از آنجا که نگارگری ایرانی به غیر از دوره‌ای کوتاه، تقریباً همیشه وابسته به ادبیات بوده، لذا در بررسی نگاره‌های به‌جامانده، توجه به تاریخ ادبیات و نسخه‌شناسی فنی اجتناب‌ناپذیر است. تجربهٔ تصحیح متون کهن و همچنین فهرست‌نویسی در ایران، نشان می‌دهد که در این عرصه هنرپژوهان بیشتر بر ابعاد زیبایی‌شناسانه و بصری توجه کرده و محققان حوزهٔ ادبیات و متون کهن نیز بیشتر بر جنبه‌های نسخه‌شناختی تمرکز کرده‌اند؛ در نتیجه با در نظر گرفتن پیشینهٔ پژوهشی نویسنده در حوزهٔ هنرهای تجسمی، به‌درستی انتظار می‌رود که در پژوهش وی نقد و تحلیل تجسمی بر نقد فنی و نسخه‌شناسانه سایه افکنده باشد.

مؤلف پس از اشاره به پیشینهٔ معراج و حضور آن در ادبیات، به روند تحول تصویرگری معراج و عناصر تصویری معراج در نگارگری پرداخته است. وی از عناصر مهم در تصویرگری معراج، به شمایل پیامبر، جبرئیل، براق، فرشتگان و آسمان اشاره می‌کند. با توجه به سابقهٔ هنرپژوهی نویسنده، انتظار می‌رود که پس از بررسی ساختاری و ظاهری تصاویر و ارائهٔ اطلاعات آماری به تحلیل عمیق‌تری از نگاره‌ها پرداخته باشد، اما در بیشتر موارد چنین رویکردی لحاظ نشده و از یک توصیف ظاهری فراتر نرفته است.

در خصوص روند تصویرگری معراج نمی‌توان به راحتی از جنبه‌های شمایل‌نگارانه (iconographic) و نمادپردازانه (symbolistic) گذشت و حتی لازم است که با یک رویکرد تطبیقی به بررسی اثرگذاری‌ها و اثرپذیری‌های موضوع مورد بحث در هنر و فرهنگ سایر ملل پرداخت. پس از آشکار شدن تأثیرات تعالیم اسلام بر هنر ایران، واقع‌گرایی در نقاشی ایرانی به نمادگرایی یا به قول برخی از پژوهشگران به یک

1. Pavet de Courteille

2. Marie Rosse Serquy

3. Christina Gröber



جامع التواریخ، رشیدالدین، اوایل قرن هشتم هجری، کتابخانه دانشگاه ادینبورو

کاشی‌نگاره، دیوارنگاره‌های گچی، نقاشی‌های پشت شیشه و پرده‌های رنگ و روغنی جسته است. در واقع نقاشی‌های عامیانه بستر مناسبی برای بازتاب عقاید و باورهای طیف وسیعی از جامعه که به فرهنگ منسوب به آنها «فرهنگ عامه» اطلاق می‌کنیم، هستند.

اگرچه نویسنده به گردآوری نسبتاً جامعی از نسخه‌های خطی مربوط به معراج پرداخته و در این مهم موفق بوده، اما در معرفی منابع تصویری عامیانه نظیر کتاب‌های چاپ سنگی، نقاشی‌های دیواری و غیره توفیق زیادی نیافته و تنها به معرفی چند نمونه از ترکیب‌نگاره‌های معراج در این قبیل آثار بسنده کرده است. در واقع حوزه هنر عامیانه چنان گسترده و درخور تأمل است که می‌توان در پژوهشی جداگانه به بررسی ترکیب‌نگاره‌های معراج در این گونه هنری پرداخت.

شایان ذکر است که علی‌بوذری، پژوهشگر حوزه کتاب‌های چاپ سنگی، در کتابی با عنوان قضای بی‌زوال، با نگاهی تطبیقی به بررسی تصاویر چاپ سنگی معراج پیامبر و گردآوری آنها پرداخته است.

به زعم نگارنده، کتاب معراج‌نگاری: نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی را با داشتن انسجام و پیوستگی مناسب، می‌توان پژوهشی قابل قبول ارزیابی کرد. نویسنده در این کتاب کوشیده است تا با یک بررسی همه‌جانبه، تصویر روشنی از روند شمایل‌نگاری معراج پیامبر در تاریخ نقاشی ایرانی ارائه دهد.

(رویکرد اقتباسی) در معراج‌نگاری را مطرح کرده (ص پنزده)، اما به جز چند اشاره سطحی به رابطه تصاویر معراج و هنر آسیای مرکزی، به تحلیل عمیق‌تری از این جریان نرسیده است (ص ۶۹). این در حالی است که برخی از پژوهشگران مانند گروبر به طور مفصل از رابطه نمادها و شمایل‌سازی‌های اسلامی در نگاره‌های مربوط به معراج و هنر بودایی و آسیای میانه سخن گفته‌اند. به عنوان نمونه، گروبر به تأثیرات آشکار نقاشان آسیای میانه بر فرشته هفتادسر در تصاویر معراج‌نامه اشاره کرده است.

یکی دیگر از مباحث مهم در این خصوص، سبک‌شناسی تصاویر معراج در نگاره‌های هندی و ترکی است که جای خالی آن در این پژوهش احساس می‌شود. نویسنده تنها در یک مورد (تور سفید و کوتاه بر چهره پیامبر در نگاره‌های هندی، ص ۷۸) به توصیف تصویر پیامبر در معراج‌نامه‌های هندی اشاره کرده است.

فصل سوم که بدنه اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد به بررسی مجلس‌نگاری معراج در سی‌وهفت اثر مختلف اختصاص دارد. نویسنده در این بخش از کتاب با بهره‌گیری از یک روش تحقیق مناسب و کل‌نگرانه، سی‌ویک کتاب برجسته با تصاویر مربوط به معراج را شناسایی کرده و پس از ذکر مشخصات نسخه مورد نظر به بررسی نگاره‌های آنها پرداخته است. با توجه به منابع کتاب بعید به نظر می‌رسد که نسخه شاخص و قابل توجهی از نگاه نویسنده دور مانده باشد. از آنجا که در عنوان کتاب به «نقاشی‌های مردمی» اشاره شده، نویسنده این قبیل تصاویر را در کتب چاپ سنگی،